

نصاب طبری مجلس و هزلیات امیرمازندرانی

علی ذبیحی *

از روی نسخه‌ای کهن تر کتابت شده است. صفحه ۱ تا ۱۸ از مجموعه به اشعار عربی و حواشی فارسی با مرکب قرمز و امضای «محمد بن صادق الحسنی الطباطبایی ربیع الثانی ۱۳۳۸» اختصاص دارد و تا ۵۳ به عنوان رساله نخست با ترقیمه «تمت قصیده البردة فی شهر جمادی الثانی فی شهر ساری بارفروش» ادامه می‌یابد. صفحه ۵۵ تا ۶۳ شامل نظم و نثر عربی با حواشی فارسی و اشعاری عاشقانه از حضرت خدیجه کبری^(س) در شأن حضرت رسول^(ص) است و پس از آن رساله دوم از صفحه ۶۵ تا ۷۳ نامه عمر سعد به جناب سیدالشهدا و نامه امام حسین^(ع) در جواب اوست. انجامه این رساله با عبارت «در شهر استرآباد تحریر گشت. خداوند گردن شیخ را بشکند. آمین یا رب العالمین» خاتمه می‌یابد. صفحه ۹۳ تا ۱۵۰ «نصاب طبری» به عنوان رساله سوم با مقدمه‌ای چهار صفحه‌ای آغاز می‌گردد و تا میانه صفحه ۱۴۶ ادامه می‌یابد و مابقی صفحات شامل ۲۵ بیت هزلیات است. مجال حاضر با برشمردن ویژگی‌های این نسخه به بازنویسی هزلیات «امیرمازندرانی» می‌پردازد که در دیگر نسخ نصاب نیامده و تاکنون نیز از نگاه نصاب پژوهان مازندرانی به دور مانده است. در صفحه ۱۶۰ یک دوبیتی هزل فارسی به این صورت آمده است:

حاجب الدوله مستراحی ساخت
تا که مدحش کنند خلق از پس
هر که در آن مبال رید بگفت
توشه آخرت همینش بس

صفحات ۱۷۳ تا ۲۵۱ به رساله ناتمام «علم ماسه» اختصاص دارد که بر مبنای نوشته صفحه آغاز از معجزات امام علی^(ع) بوده و به طریق اویس قرنی - از اصحاب حضرت رسول^(ص) -

«نصاب» عنوان عمومی واژه‌نامه‌های منظومی است که از دیرباز برای سهولت در به خاطر سپاری واژگان تهیه می‌شده‌اند. مشهورترین نصابی که به نظم فارسی در آمده نصاب الصبیان (عربی - فارسی) نام دارد که در سال‌های پایانی سده ششم و سال‌های آغازین سده هفتم هجری، ابونصر فراهی آن را سروده و الگوی اکثر نصاب‌های پس از خود از ترکی، هندی، بیرجندی، شوشتری، فرانسه و انگلیسی و ... شده است (مجموعه بختیاری ۱۳۸۷: ۳۲۴ - ۳۲۵).

در این زمینه و از مجموعه مخطوطات شناخته شده و قابل دسترس مازندرانی در دو سده اخیر لغتنامه منظوم «نصاب طبری» معروف‌ترین و مفصل‌ترین آن‌هاست. از این متن تاکنون هفت نسخه متقدم (۱۲۶۴ ق) و متأخر (۱۳۸۹ ق) شناسایی و معرفی شده است (الهی ۱۳۸۴: ۷۵؛ وندادی ۱۳۹۲: پیش‌گفتار). اما متنی دیگر از «نصاب طبری» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در مجموعه شماره ۱۲۰۶ طباطبایی نگهداری می‌شود که تاکنون مجال بروز نیافته است.

این نسخه بنا به کتاب‌شناسی کتابخانه مجلس در قطع رقعی به اندازه ۱۷/۵ × ۱۱ با جلد تیماج قهوه‌ای روشن و کاغذ فرنگی مجموعه‌ای از چهار رساله در ادب و تاریخ و علوم غریبه به قلم نستعلیق و نسخ و شکسته نستعلیق می‌باشد که در ۱۲۶ برگ به سال ۱۲۰۷ ق کتابت شده است (www.aghabozorg.ir). اگر بتوان تاریخ یاد شده را برای قسمت‌های غیر نصاب طبری پذیرفت اما از آنجایی که بر اساس مقدمه امیر تیمور قاجار در رساله سوم، امر سرودن نصاب طبری از سوی اردشیر میرزای قاجار حاکم مازندران (۱۲۵۲-۱۲۵۹ ق) انجام گرفت، این تاریخ برای رساله نصاب طبری (رساله سوم) مقرون به صحت نمی‌باشد؛ مگر اینکه تاریخ یاد شده را ۱۳۰۷ ق بدانیم که در این صورت متن نصاب

* کارشناس مدیریت صنعتی / azabihin@yahoo.com



دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیرماه ۱۳۹۲

انتقال یافته است. صفحات ۱، ۹۳ و ۱۶۱ دارای نقش‌های رنگی گل‌های اسلیمی و گلدان با شیرینی شمشیر به دست و پرنده‌ای در حال پرواز است. مابقی صفحات که ذکر می‌شود از آن‌ها نشد، سفیدند که تا صفحه ۲۷۱ هم ادامه می‌یابند.

در صفحه آغاز نسخه امضای مالک نسخه «محمدبن صادق الحسنی الطباطبایی [به تاریخ] ۲۴ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۱» و در میانه سطور صفحات ۵ و ۹۴ و ۱۷۶ امضای یاد شده با تاریخ مشترک ۲۸ شوال ۱۳۳۳ درج شده است.

امیر مازندرانی و هزلیات او

نام امیر در مازندران یادآور «امیر پازواری» در بین خاص و عام است و در میان محققان علاوه بر امیر پازواری، یادآور امیری دیگر می‌باشد که «نامش امیر تیمور قاجار و اهل ساری است و نصاب مازندرانی اثر طبع اوست. او در زمان محمدمشاه قاجار و اوایل ناصرالدین شاه قاجار می‌زیسته و قبرش در ملا مجدالدین ساری است» (گل‌بابا پور ۱۳۶۱: ۸). امیر تیمور قاجار متخلص به امیر و معروف به «امیر مازندرانی» فرزند محمدقلی میرزا ملک‌آرا (۱۲۰۳-۱۲۸۹ق) فرزند چهارم فتحعلی شاه قاجار و حاکم مازندران بود. او به واسطه قریحه شعری و نشو و نما یافتن در مازندران به دستور اردشیر میرزا قاجار حاکم مازندران مأمور به تنظیم لغات مازندرانی می‌گردد؛ از این رو به طریقه ابونصر فراهی نصابی در لغات مازندرانی می‌سراید. خود می‌گوید:

دارای دارالملک طبرستان، نظر به منظور شهرباری و رسوم معدلت و ملک‌سپاری خواستند که بی‌واسطه مقربان درگاه از احوال زیردستان و لسان مستمندان آگاه باشند به بنده پادشاه کبیر، تیمور قاجار المتخلص به امیر که از فضل خدا و فصل قضا فرعی از آن اصل و سلاله‌ای، از آن نسل است و مولد و منشأ در دارالملک طبرستان و اطلاع از لسان ایشان داشت، مقرر داشتند به طریق ابونصر فراهی نصابی در ترجمه لفظ مازندرانی و غیره الاسهل فالاسهل الاوضح فی الاوضح به فارسی مرقوم و منظوم دارم. دست قبول بر دیده نهادم ... و آن را نصاب طبری موسوم داشتم... و در اندک زمانی سمت انجام و اختتام یافت (نسخه نصاب طبری، کتابخانه ملی ایران، ص ۳).
در نسخه مجلس آمده است:

به این نسب‌آستان معدلت بنیان تیمور قاجار المتخلص به امیر مقرر فرمود که به طریق ابونصر فراهی نصابی در ترجمه لفظ مازندرانی به فارسی مرقوم دارد دست قبول بر دیده نهاده شروع در نظم و شعر تألیف و تصنیف نموده در اندک زمان سمت انجام و اختتام یافت و آن را به نصاب طبری موسوم داشتم (ص ۹۵-۹۶).

از نسخه نصاب، تحریری از زمان سراینده وجود دارد که همان نسخه محفوظ در کتابخانه ملی ایران به تاریخ ۱۲۶۴ ق است. انجمله نسخه ملی در پایان بخش «امثال و تشبیهات» به این صورت است: «این مصنف منظوم و مؤلف این منثور لطیف و مسود اوراق این صحیفه بنده خاکسار دربار شهریار امیر تیمور قاجار در یوم شنبه سادس شهر ذیقعد الحرام در بلده ساری مازندران سمت اتمام و صورت اختتام یافت فی سنه ۱۲۶۴ [ق]». در این نسخه علاوه بر مقدمه و اشعار نصاب، ۱۸۶ مثل و تشبیه نوشته شده که در دیگر رونویسی‌های نصاب نیامده و در دیباچه برخی نسخ حتی ذکر آن هم نرفته است. برابری نسخه ملی با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه و ممهور بودن آغاز نسخه به «مهر دربار شاه‌شاهان ناصرالدین» مبین ویرایش و پاک‌نویس شدن این نسخه از روی نسخه قبلی مؤلف می‌باشد. به نظر صادق کیا (۱۳۱۶: ۲۸) هم، شاعر نخست نصابی ساخته و نشر داده و پس از چندی در آن نظری کرده و دستی برده و برای بار دوم نسخه‌ای نوشته است. این مسأله احتمال وجود تحریرهای دیگری از نصاب را می‌رساند که کاتبان از آن بهره گرفتند. نسخه مذکور مجلس نیز به دلیل مقدمه کوتاه‌تر و سبک ادبی‌اش، نداشتن بخش «تمثیلات و تشبیهات» و وجود صفحات سفید اما جدول‌کشی شده برای افزودن مطالب، تحریری دیگر از نصاب اما کهن و قابل اعتماد و استناد می‌باشد.

نسخه مجلس و ملی از نظر کیفیت سروده‌ها، معنی لغات و نوشته شدن در میان جدول و کمند، جز در برخی لغات و کلمات، مشابه یکدیگرند؛ اما نوع خط، وجود حواشی و توضیحات درج شده در نسخه ملی، تعداد سطر و ترتیب بحور و قطعات آن برابر نمی‌باشند. بررسی نسخه‌های هفتگانه نصاب نشان از برابری ساختاری تمامی نسخ به جز نسخه ملی با یکدیگر می‌دهند. به طوری که در آن نسخ بین بحر دهم (هزج) و یازدهم (تقارب)، قطعه «اسامی ماه‌ها» یا «اسامی



شهور» نوشته شده است. این موضوع در نسخه ملی اصلاح و سراینده نسخه را تحریر نهایی و پاک‌نویس کرده است. نصاب طبری پس از امیر تیمور قاجار همچون نصاب ابونصر فراهی مورد تقلید در سرودن نصاب‌های دیگر — همچون نصاب مجنون بارفروشی (۱۲۳۰-۱۲۸۶ق) — و رونویسی قرار گرفت که موجب شد تاکنون علاوه بر نسخه مجلس، شش نسخه یا رونویسی دیگر از آن شناخته شوند. نصاب مجلس دارای مقدمه‌ای چهارصفحه‌ای در علت سرودن نصاب، متن شعری نصاب با ۲۲۵ بیت در یازده بحر عروضی و نه قطعه موضوعی و ۲۵ بیت هزلیات است. برخی مصرع‌های نصاب هم ناتمام است که از جمله آن مصرع سوم صفحه ۱۰۷ می‌باشد.

[کنج و گردن کس و گس و اوستی] آمد آستین^۱

دُمَل آمد سیمکا ناخن زدن دان چنگلی

هر بحر با بیتی عروضی و آمیزه‌ای از لغات فارسی و مازندرانی آغاز می‌شود و در بیت دوم وزن عروضی آن بیان می‌گردد. سپس از بیت سوم تا انتهای همان بحر واژگان فارسی با معانی طبری یا بالعکس و لغاتی که معادل فارسی ندارند برابر ترکی آن‌ها شرح شده‌اند. نمونه (نسخه مجلس، ص ۹۷-۱۰۲):

فی بحر تقارب

مه یار عزیز ای خجیر ریکا
ترا جان عشاق بادا فدا
فعول فعول فعول فعول
ز بحر تقارب بخوان شعرها
زمین دان بنه ابر آمد مها
بود دینه دیروز و الآن اسا
عمو عامی و هم پیر دان پدر
پسر دختر آمد کیجا و ریکا
هنیش و بو و بخوان و برو
نشین و بگو و بخوان و بیا
کتار و ونی بینی و چانه است
بدان ساق ساخ و قفا را کفا
گتی جد و همباز آمد هدر؟ [شریک]
برادر ککه دان و خواهر ددا

سؤال است پیشانی و شانہ کت
تک و لوچه لب دیم رو نه چه نا
بدان برفه ابرو و مژگان کچک [مجیک]
دهان دان دهنون و چمرچک صدا
بدان چشم چش اسپی آمد سفید
سیو دان سیاه و تر دان ترا
السکین چه مرفق بود دست بال
چه انگوس انگشت و لینگ است پا
هییر و هده دان بگیر و بده
دوست و وشا دان تو بست و گشا
چه مکناست معجر جمه پیرهن
که کش آمده کفش و پستک قبا
تو خواهر بدان خوخر و شوی شی
بود مرد مردی و زن دان زنا
چلو چاه باشد رسن دان شریک
جری است ابریق و کوزه کلا
چه پرزوست صافی و قاشق کچه
بود دیگ و تابه تهن آش و
ته‌دیگ بستی و روغن رعون
خورش دان توقاتق چلورا پلا
برنج آمده دونه شلتوک بنج
که بی‌مغز و ریزش چکو و چفا
بود کرک مرغ و طلا دان خروس
کلی لانه و جوجه دان چندکا
کنف دان کنب نی لیل دوک دیک
بتوس دان تو تابیده نخ است تا
سری خانه تش آتش و دود دی
کله نهر و او آب و حسنو شنا
صواحی پگا صبح و سو روشنی
عروسی ولاج است و بازیست کا
جمندر بود زود و ارزاست دیر
بدان هشته را جفت و تنه‌است تا

این ساختار در قطعات نه‌گانه — جز در قطعه اول — در هشت قطعه پایانی نصاب که به نوعی لغتنامه موضوعی است، دیده

۱. افزوده بر اساس نسخه ملی.



نمی‌شود و سراینده با سرعنوانی موضوعی به سرودن اشعار که گاهی تا پایان معادل فارسی هم ندارند می‌پردازد. نمونه (نسخهٔ مجلس، ص ۱۴۰-۱۴۲، افزوده‌ها از نسخهٔ ملی است):

فی اسامی اشجار

ممرض و طوق و سُوفس و نمدار
کچب و تل‌الاش و هم‌سُردار
اَسْفُ و جزُ کرات آمد و ال
لَرگ و ونجرُ شوشار آمد و چَل

اسامی نباتات

بشنو ای جهان جود و سخا
از نباتات اَبی و صحرا
مَهْرُه و گزنه و خجیرکیجا
پلهیم و دارچماز و گندیما
مستک و ترشه بازمل زولنگ
وَرَمَز و شال‌دُم و داکس و شنگ
اسکیل سیس و کنگل ارداله
دگر آمیس و سار و بُزگاله
ککه‌واش ترکمان ریش کاشم
ملج و چور هلاله دان و تَلَم
[ترکس و کوپ‌واش و متلی‌متا
کنگل و گوجی‌جی دگر شورکا]
خرکنگل تشی گزر آله‌نا
هم چماز و میشاک و زردکیجا
بندواش‌خی‌برین و [دست‌پچن]
ولو و کرک‌چرواش [و تیجن]
غازچرواش و سُرخه‌شلوار است
اشکنی و اناریجه خار است

نصاب طبری با تحقیق مبسوط دکتر صادق کیا در سال‌های ۱۳۱۶ یزدگردی (= ۱۳۲۶) و ۱۳۲۷ شمسی به چاپ رسیده است. او از سه نسخهٔ کتابخانهٔ ملی (۱۲۶۴ق)، آیت‌الله‌زاده (۱۳۴۱ق) و کیا (۱۳۱۷ش) استفاده نمود. از آن تاریخ تاکنون چاپ اُفسِتِ گل‌باباپور در سال ۱۳۶۱ از نسخهٔ بسیار متأخر

«زین العابدین هزارجریبی دودانگی» به سال ۱۳۴۸ش و چاپ مجدد مهدی‌پور عمران با توضیح و تصاویر افزوده شده و البته بدون ذکر دیگر نسخ نصاب در فروردین ۱۳۹۲، بررسی حبیب برجیان در ارج‌نامهٔ صادق کیا (۱۳۸۷) به انگلیسی، چاپ کامل متن نصاب از حسین وندادی در سال ۱۳۹۲ از روی نسخه کتابخانهٔ ملی و چاپی دیگر از روی چاپ کیا از جمله کارهای انجام شده بر نصاب طبری بوده است.

همان‌گونه که یاد شد، چهار صفحهٔ آخر نصاب طبری به هزلیات امیر مازندرانی اختصاص دارد که شامل ۲۵ بیت است. اهمیت بررسی هزلیات در این است که بدون هیچ کم و کاستی در انتهای اشعار منسوب به امیر پازواری با عنوان «کنز الاسرار مازندرانی» (۱۲۷۷ق) — اثر محقق روسی برنهارد دارن — ثبت شده‌اند که هرچند منتسب به شاعرانی غیر از امیر است، اما نشان از تداخل و تشابه اسمی دو امیر در دوران قاجار می‌دهد. این هزلیات فارسی که با ترکیب لغات مازندرانی هم‌راستای نصاب طبری هستند تناسب چندانی با محتوای دیگر اشعار امیر پازواری در کنز الاسرار ندارند و از احتمال انتسابش به امیر پازواری می‌کاهد؛ هر چند این مسأله نمی‌تواند محال باشد. از طرفی در بخش «امثال و تشبیهات» نصاب کتابخانهٔ ملی، امیر مازندرانی پانزده مثل و تشبیه را بسیار برهنه و رکیک بازگو می‌کند که امروزه آن‌ها را در پروندهٔ محرمانهٔ اسناد فرهنگ‌مردم جمع‌آوری می‌کنند. این مسأله نشان از روحیهٔ بزله‌گویی و هزل‌سرایی امیر مازندرانی — همچون ایرج میرزای قاجار — دارد و صحت انتساب هزلیات یاد شده را به امیر مازندرانی بیش از امیر پازواری می‌نمایاند. محققان ادب بومی مازندران هم شیخ‌العجم امیر پازواری را شاعر عصرها می‌دانند که در صورت صحت اصالت وجودی شخص امیر، زمان انتسابش حداقل به پیش از سال ۱۲۷۷ق برمی‌گردد که این امر و زبان اشعار می‌تواند دلیلی دیگر بر عدم انتساب هزلیات مزبور به امیر پازواری باشد.

ترتیب و تعداد ابیات هزلیات در دو اثر کاملاً برابرند و هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. تنها تفاوت آن‌ها شماره‌گذاری هزلیات در کنز الاسرار است که در نسخهٔ مجلس وجود ندارد. (شماره‌گذاری نسخهٔ مجلس به رعایت از کنز الاسرار و برجسته



- کردن لغات مازندرانی از ماست.)
هزلیات [امیر مازندرانی]
 ۱. [ص ۱۴۶]
۱۱. کَزْکُ؟ [لَرگ] و کلهو و فیک و افرا
 افراخته قامت دلارا
۱۲. یارم چو سر کتین نشیند
 ایکاش بما قرین نشیند
- ۲.
۱۳. کِشت کمر تو رشته جان
 دوق تَلَم تو آب حیوان
- ۳.
۱۴. هر دسته وُلُو که تو بندی
 جا دارد اگر بما بخندی
۴. [ص ۱۴۷]
۱۵. مژده گلی از کرس دگر بار
 شیرینی خویش کرده اظهار
- ۵.
۱۶. حلواکنده ز شصت فرسنگ
 از بهر تو میزند بسر سنگ
- ۶.
۱۷. جُول آمد و برد جنکا ره
 مهر آمد و زد چک و کاره
- ۷.
۱۸. از جستی و چابکی چو زیکی
 فرزند رشید او چلیکی
- ۸.
۱۹. لُسُک بمیان باکله جار
 عاشق شده باکله تتری ره
 چشمک بزو شمع پاپلی ره
 بَنُسته تشی تشی گلی ره
- ۹.
- ۲۰.
۲۱. در بیَمو ارمجی ز سوراخ
 بالای گتی نشسته گستاخ
۱۰. [ص ۱۴۸]
۲۲. عید آمد و وقت ولولی شد
 ایام شکوفه هلی شد
 صحرا همه پُر ز گوججی شد
 رونق ده بیشه انجلی شد
۱۱. گر هست مؤذن تو قریبون
 ما را سگ و شال شد سحرخوان
۲۲. [ص ۱۵۰]
- عباس عرب گرت قرینست
 ملاتقی ما را هم نشین است



ای من بفدای کالهچرمت

قربان تو و سرین نرمت

نسخه مجلس از جمله نسخی است که می‌تواند به عنوان نسخه‌ای کهن و قابل اعتماد در تحقیق و چاپ انتقادی مورد استفاده قرار گیرد. تصحیح نصاب طبری با هشت نسخه شناخته شده - که نویسنده در حال انجام آن می‌باشد - گامی است در ارائه کامل اثر، تا مبنای تحقیقات بعدی و نگارش تاریخ زبان مازندرانی قرار گیرد.

منابع:

- الهی، یوسف، ۱۳۸۴، «امیر تیمور قاجار و نصاب طبری»، فصلنامه اباختر، س ۳، ش ۱۱-۱۲، ص ۷۱-۷۸.
- امیر تیمور قاجار، ساروی (امیر مازندرانی)، ۱۳۶۱، نصاب مازندرانی، نویسنده دیباچه و ناشر: محمد کاظم گل باباپور، بابل.
- امیر تیمور قاجار، ساروی (امیر مازندرانی)، ۱۳۹۲، نصاب مازندرانی، گزارش و پژوهش روح‌اله مهدی‌پور عمران، تهران، رسانش نوین.
- دارن، برنهارد، ۱۳۳۷، کنز الاسرار مازندرانی، به کوشش محمدنبی کجوری و جعفر عقیلی، تهران، چاپ افست از روی نسخه ۱۲۷۷ق سن پترزبورگ.
- کیا، صادق، ۱۳۱۶ یزدگردی، واژه‌نامه طبری، تهران: انجمن

ایرانویج.

- کیا، صادق، ۱۳۲۷، واژه‌نامه طبری، تهران: دانشگاه تهران.

- گل باباپور، محمد کاظم، ۱۳۶۱ ← امیر تیمور قاجار.

- محمودی بختیاری، بهروز، ۱۳۸۷، «نصاب انگلیسی فرهاد میرزا معتمدالدوله»، آینه میراث، دوره جدید، س ۶ ش ۲، ص ۳۲۴-۳۵۰.

نصاب طبری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۱۲۰۶ (شماره قدیم ۳۱۹۱۱).

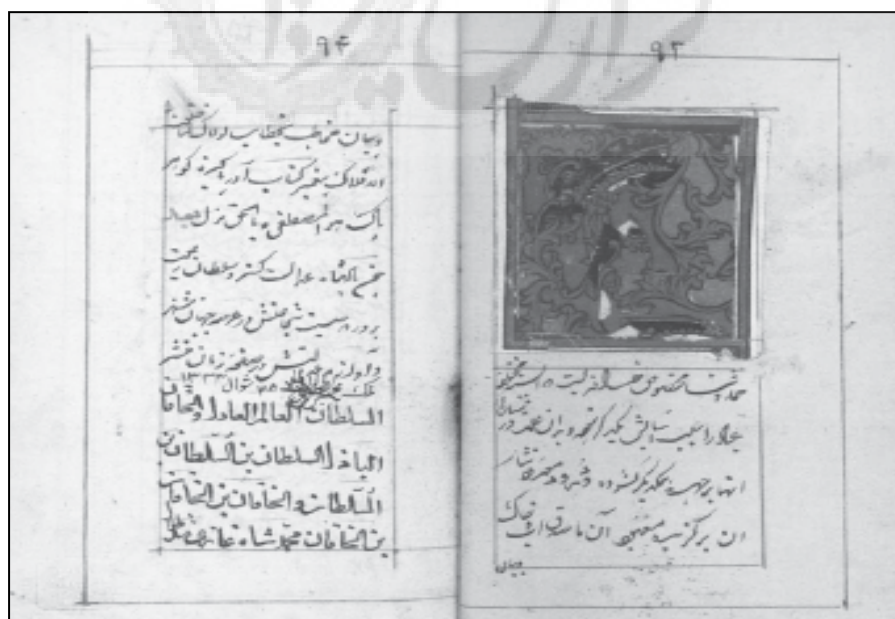
نصاب طبری، کتابخانه ملی ایران، شماره ۵۴۸ ف.

- وندادی، حسین، ۱۳۹۲، نصاب مازندرانی، ساری: سایت بامداد ساری: www.bamdadesari.ir

- Borjjan, H. 2008, "Nesāb-e Tabari Revisited: Dialect Materials from the Nineteenth-Century Mazandarani Dictionary, *Essaye in Honor of Sadiq Kiya*, ed. A. Bahrami, Tehran, pp. 49-80

- <http://www.aghabozorg.ir/showbookdetail.aspx?bookid=99705>

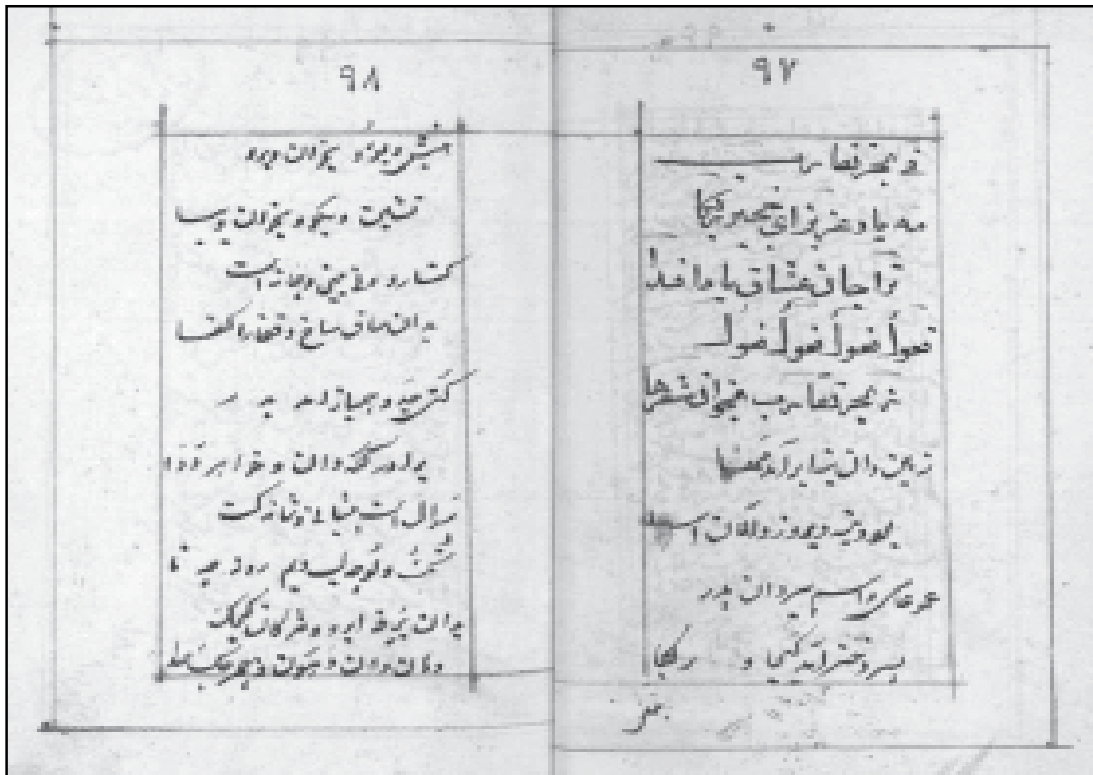
- http://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic/biblioFullView.jspx?_afPfm=gfer2fj8s



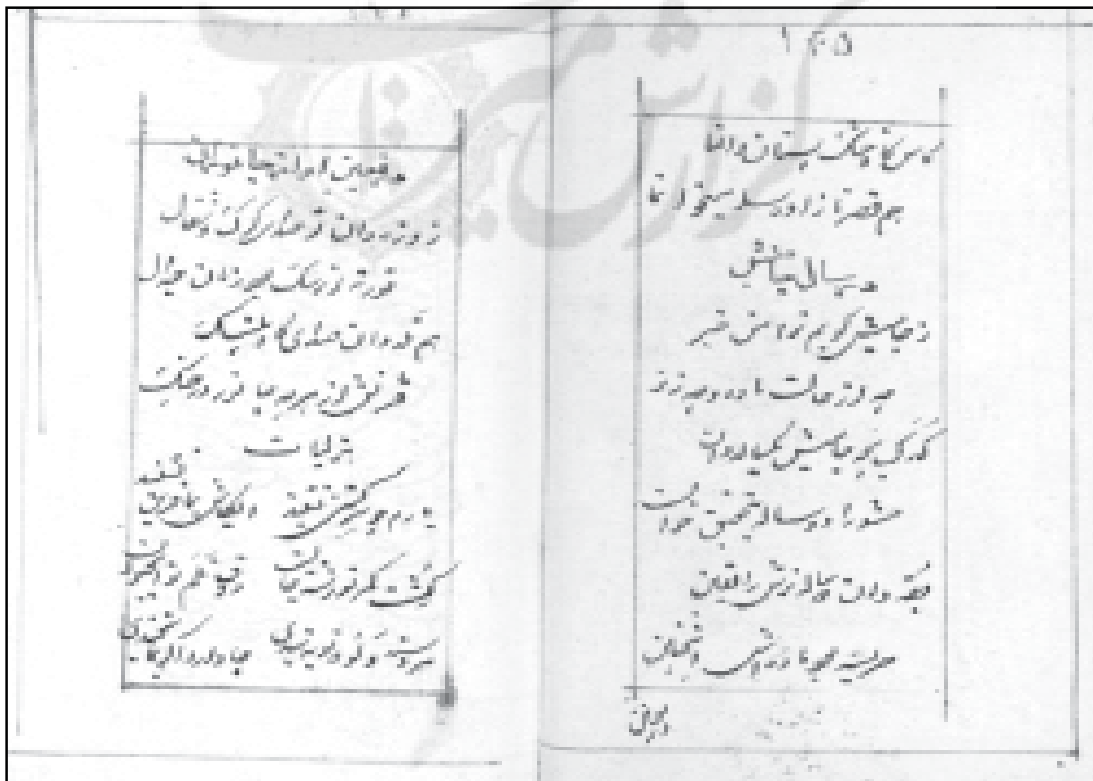
صفحه آغاز مقدمه نصاب مجلس



دوره دوم، سال هفتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیرماه ۱۳۹۲

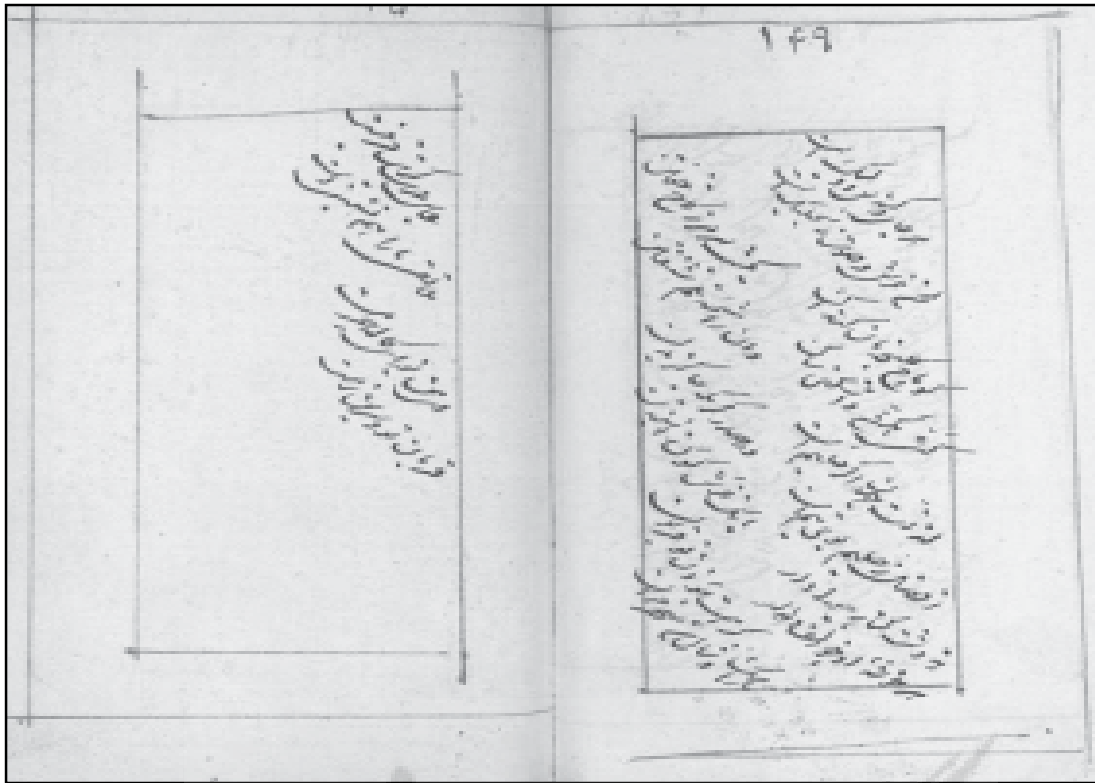


صفحة آغاز شعر نصاب مجلس



صفحة پایان شعر نصاب و آغاز هزلیات





صفحة پایان هزلیات و پایان رساله نصاب



صفحة آغاز مجموعه (<http://dlib.ical.ir/faces/search/bibliographic>)